

زنان سخنور

تألیف علی اکبر مشیر سلیمی - از انتشارات مطبوعاتی
علی اکبر علمی - تهران - چاپ اول - قطع وزیری - درسه
مجلد - تعداد صفحات دفتر اول (ز + ۳۷۶)، دفتر دوم
(۳۹۶)، دفتر سوم (ص + ۴۲۳) .

این تذکره شامل شرح حال و اشعار سیصدتن زنانی است که از یک هزار سال
پیش تا امروز پارسی سخن گفته اند، مؤلف با مراجعه بآرشیو چند ویامکاتبه با شعرای
معاصر بتدوین آن همت گماشته و چاپ آن بسال ۱۳۳۷ شمسی خاتمه یافته است .
آقای مشیر سلیمی در مقدمه بر دفتر اول شیوه تألیف کتاب و در مقدمه بر دفتر
دوم تحولات و ترقیات زنان ایران و کشورهای مختلف جهان را شرح داده است؛ در
پایان دفتر سوم مطالبی از بعض نویسندگان و از باب جراید مندرج است که خواننده
را با اهمیت و ارزش ادبی این تذکره آشنا میسازد .

در مقابل محسنات و مزایای موجود نقائصی نیز در این تذکره بنظر میرسد
که اهم آنها ذیلاً نقل میشود :
(الف) : در نتیجه عدم توجه کافی بتاریخ و مجل زندگی بعضی از شاعره‌های
همنام و هممخلص، شرح حال آنها یکجا نقل شده است؛ چنانکه شرح حال منیجه خانم
نهایی قائینی با شرح حال نهانی گرمانی شاعره قرن نهم و همچنین سرگذشت نهانی شاعره
قرن یازدهم که همنشین خرم بیگم مادر شاه سلیمان صفوی بوده بهم درآمخته است
(جلد دوم صفحه ۳۷۴) .

(ب) : مولانا زیبائی از طریق خیرات حسان تألیف محمد حسنخان اعتماد -
السلطنه با شتبه در تذکره زنان سخنور راه یافته است (جلد دوم صفحه ۲۲۵) .

چنانچه مؤلف، اصل: «مراجعه بقدی مترین مأخذ» را رعایت می‌کرد این نقیصه و نظایر آن برطرف می‌شد؛ چه در تذکره مجالس النفائس که توسط علیشیر نوائی (متولد ۸۴۴-متوفی ۹۰۶) در زمان حیات شاعر تألیف یافته و فخری هراتی در قرن دهم آنرا بفارسی برگردانیده، این شاعر مولانا قید شده است؛ همچنین ابن المبارک محمد قزوینی معروف به حکیم در ترجمه دیگر مجالس النفائس چنین نوشته است: «مولانا زیبایی زیبا کسی است و فضائل ادبی او بسی است و میرعلیشیر اگر چه او را ندیده لیکن شعرش را شنیده و این مطلع از اوست:

قامتت شیوه ز رفتار چو بنیاد کند سرو را بنده خورسازد و آزاد کند
(صفحه ۲۵۷ ترجمه مجالس النفائس)

(ج): ضمن بعضی از شرح‌ها تصاویری مشاهده می‌شود که مأخذ آنها ذکر نشده از آن جمله است: تصویر آغا باجی (صفحه ۶)، یادشاه خاتون (صفحه ۵۷)، جهان صفوی (صفحه ۱۶۶)، دلشاد خاتون (صفحه ۱۹۴) جلد اول- گنا بیگم (صفحه ۱۰۹)، مهری (صفحه ۲۴۹)، مهستی (صفحه ۲۵۵) جلد دوم.

(د): بعضی از سخنوران دارای دو تخلص و دو لقب هستند در صورتیکه در فهرست اسماء و اعلام فقط بذکر یکی اکتفا شده است. و این اشکالی برای مراجعه کنندگان ایجاد می‌کند از آن جمله است: آقا بیگم جلایر که فقط (آفاق) ذکر شده و گلرخ هندوستانی (گلچهره). و شمس الضحی نشاط اصفهانی (شمس). و زین النساء مخفی فقط (مخفی) و حیات هندوستانی (مهر النساء نورجهان).

(ه): بطوریکه خود مؤلف نیز در دیباچه کتاب پیش بینی کرده است: «هنوز زنان سخنوری از گذشته و امروز میباشند که نامشان در تذکره زنان سخنور نیامده است؛ نگارنده در نتیجه مذاقه فرهنگ سخنوران تألیف آقای دکتر خیامپور و تصفح بعضی تواریخ و تذکره‌ها توفیق حاصل نموده که تعداد قلیلی بر جمع کثیر زنان سخنور بیفزاید و اینک شرح حال آنان بطور اختصار نقل می‌گردد تا برای تکمیل این تذکره

مفید که در بالا بردن شخصیت زن ایرانی نقش مهمی دارد گامی فراتر نهاده شود.

۱- آرایش ترکمان : آرایش بیگم دختر امیر اسکندر بن قرا یوسف ترکمان در قرن نهم وفات یافته است، قاضی نورالله در مجالس المؤمنین او را شیعه گفته و عشره او را شیعه دانسته و این بیت را باو نسبت داده است :

در مشغله دنیا در معرکه محشر از آل علی گوید آرایش اسکندر^۱

۲- افسر شیرازی (متولد ۱۲۷۴ شمسی) با نورباب اشرف متخلص بافسر فرزند حسین بنان الملک شیرازی است از شرح حال و اشعار این شاعر معاصر جز آنچه در کتاب «اسرار خلقت» آمده چیزی معلوم نشد. ناچار بیتی چند از همنوی او را که در پاسخ به منی سروده است در اینجا میآوریم :

شب پیشینه - این کاخ ملمع چو از سیار وثابت شد مرصع
ببحر فکر و حیرت بودم اندر که آمد، نامه بیچون اخگر
بخواندم سر بسر اشعار آنرا سوال و پاسخ و گفتار آنرا...^۲

۳- بیگی .. [بیگی سلطان خواهر درویش گنج مداح بسال ۹۰۷ قمری زنده بوده است] آقا بزرگ در الذریعه... چنین مینگارد : «و کانت تسمى بیگی سلطان ، وهی اخت درویش گنج المداح. توجد شعرها بخطها فی «کنز السالکین» المذکور فی (ج ۸-ص ۱۸۷ کتبها فی مشهد خراسان فی یوم تاسوعاً عام (۹۰۷).^۳

۴- پروین خاتون - در لغتنامه دهخدا صفحه ۲۹۴-۲۹۳ در مورد این شاعره باستانی چنین مسطور است :

«پروین خاتون : شاعره ایست باستانی که از شعر او در لغتنامه اسدی بشاهد

۱- منجم باشی، تازیخ جلد ۳ صفحه ۱۵۳-محلای، آقا شیخ ذبیح: ریاحین الشریعه، جلد ۴ صفحه ۳۲۰.

۲- رکن زاده آدمیت، دانشمندان و سخن سرایان فارس جلد اول ص ۲۹۶.

۳- آقا بزرگ طهرانی، الذریعه الی تصانیف الشیعه قسم اول، جزء نهم ص ۱۵۰.

آمده است و در بعضی نسخ پروین خاتون ضبط شده و ظاهراً پروین خاتون درست باشد این دوبیت از اوست :

طفل را چون شکم بدرد آمد همچو افعی زرنج او بر پیخت^۱
گشت ساکن ز درد او دارو او^۲ بما چو چه دردهانش ریخت^۴

بیت ذیل نیز در موضعی از لغت فرس (۵۰۶) بنام پروین [ظ: پروین] خاتون برای لغت دهنه بشاهد آمده است لکن در دیوان منوچهری نیز همین بیت دیده میشود. تا توانی شهریارا روز امروزین مکن جز بگردخم خرامش جز بگردن دهنه
۵- پری ترکمان : پری بیگ از زنان خوش بیانی است که تاریخ زندگانش روشن نمیشود.^۵

۶- تمدن جهرمی : بانو رباب تمدن شاعره جهرمی فرزند آقای محمد عطار از شاعرهای معاصر است اشعار زیر نمونه از ذوق اوست که در رثای عموی خود سروده است .

بهار ما - زچه امسال چون خزان شده است
میان عید - عجب مسامتی عیان شده است !
بزیر خاک سیه ، گل چرا نهان شده است
چرا - قد پدرم - اینچنین کمان شده است
مگر خلیل تمدن بخاک مدفونست
که قلب و دیده اینخانواده پر خونست ... الخ^۶

- ۱- بر پیختن یعنی بر پیچیدن ۲- ظاهراً، زن .
- ۳- ما چو چه دارو ریز که در گلوی کودکان بدان دارو ریزند (اسدی) .
- ۴- کتاب لغت فرس اسدی (چاپ تهران ص ۵۰۵-۵۰۶) .
- ۵- صبا، «روز روشن» ص ۹۵- آقا بزرگ طهرانی، الذریعه الی تصانیف الشیعه قسم اول، جزء نهم ص ۱۵۸ .
- ۶- برای اطلاع بیشتر از اشعارش رك: ركن زاده آدمیت، دانشمندان و سخن سرايان فارس جلد دوم ص ۴۸-۴۳ .

۷- جلائی: «تخلص شاعره میباید از زنان ایران و ترجمه‌حالی از او بدست نیست تا معرفتی باحوال او حاصل آید همینقدر از فصاحت و بلاغت مشارالیها بعضی از نویسندگان تمجید کرده‌اند»^۱.

۸- چمنی هروی: چمنی خانم، والده میرحبیب‌الله معلم چهارم متوفی قرن یازدهم هجری قمری است. آن معصومه عفت سرشت بفتون کمال دامن حال آراسته داشته. بیت زیر از اوست:

زینکان نیکی و از ظالمان ظلم چو عکس از آئینه هر حال پیدا است^۲

۹- حبیبه عامری: تنها شاعره باذوق گمنام سمنان است پدرش مرحوم میرزاسید ابراهیم عمیدالحکما بوده که بعد از طرف ناصرالدین شاه ملقب به (عمید السلطنه) گردید بانو حبیبه از سال ۱۳۳۰ قمری بکار شاعری پرداخته و بیشتر اشعارش بشکل رباعی است و در شعر حبیب تخلص میکند. رباعی زیر برای نمونه نقل میگردد:

رفتیم و یار را برقیبان گذاشتیم رفتیم و داغ بردل هجران گذاشتیم
درمان بود طاقت سوز و گداز عشق این رنج و این عذاب به آنان گذاشتیم^۳

۱۰- حزینه: ذرة العلمامشهور به «قرائت خانم» بسال ۱۳۳۲ قمری زنده بوده و بنوشته آقا بزرگ، دیوان اشعارش که شامل مدایح و مرثی و مواعظ و غیره میباشد در زمان حیاتش بطبع رسیده است.^۴

۱۱- خاور: بانو خاور حائری فرزند مرحوم عباسعلی طادی لنجانی پدرش از اطباء و پزشکان معروف بختیاری بوده در ۲۱ شوال ۱۳۳۴ قمری در قصبه بروجن چهار محال متولد شده در مهد پدر و استاد که در منزل باو تدریس میکرد مقدمات

۱- اعتماد السلطنه، خیرات حسان، جلد اول ص ۸۸.

۲- قانع تتوی، «مقالات الشعراء» ص ۱۶۵-۱۶۴.

۳- برای اطلاع بیشتر از شرح حال و اشعارش. رك: تذکره شعرای سمنان تألیف نوح

صفحه ۲۱۸-۲۲۳.

۴- رك: آقا بزرگ طهرانی، الذریعه الی تصانیف الشیعه قسم اول. جزء نهم ص ۲۳۵.

علوم را فرا گرفت چندین سال نیز در اصفهان بمدرسه رفت. از او ان کود کی بشعر و ادب علاقمند بود و از شعراء بسعدی و حافظ ارادت میورزد زمان کود کی لب بگفتن اشعار گشوده گاهی خاور وزمانی حایری تخلص مینماید اشعار زیادی سروده و برخی از آنها در روزنامهها و مجلات بطبع رسیده مطلع زیر برای نمونه نقل میشود:

ای خوشا با عقل بازوی توانا داشتن

الفت و همصحبتی باشخص دانا داشتن.....^۱

۱۲- نوابه خفی: بنوشته شیخ محمد حسین آیتی، خفی تخلص مخدیره معظمه نوابه مکرمه دختر میرزا محمدخان نهی است که از زوجات مرحوم امیر علیخان حشمت‌الملک بوده و امیر محمد اسماعیل خان شوکت‌الملک از بطن مشارالیهها بوجود آمده و بالجمله وی عارفه‌ایست که قدم در وادی عرفان نهاده و شاعره‌ایست که در فنون شعر و ادب داد سخن داده گویند به سید مرتضی که اهل ریاضت و از سادات عالی درجات ولایت (نه) بوده ارادت و در طریقه سلوک از او متابعت داشته دیوان شعری مرتب دارد که مرحوم میرزا محمد شهاب جمع کرده و لکن بنظر فقیر نرسیده و در سنه ۱۳۰۸ قمری هجری متوفی جنازه او را در کربلای معلی در حرم مطهر حسینی نزدیک بضریح امامزاده ابراهیم علیه السلام مدفون ساخته‌اند. اشعار ذیل گفته‌هائی است که گفته و گللهائی است که از گلشن خاطر او شکفته

کیست در مجلس معشوق مرا یاد کند

باشد او هم بیکی یاد مرا شاد کند

سخت دلتنگ شدم نوبت فریاد رسید

مرغ بیدل چه بجز ناله و فریاد کند

رحم اگر هست در این دهراجل دارد و بس

کاینهمه طایر روح از قفس آزاد کند

۱- رك: سید مصحح الدین مهدوی، تذکره شعرای معاصر اصفهان ص ۱۷۹-۱۷۷.

قصه از طلعت شیرین کند آثار خفی
بیستون قصه گر از همت فرهاد کند

ولها ایضاً

ای صبا از من بگو فرهاد بی بنیاد را
در میان عاشقان بدتخم ننگی کاشتی
بیستون را بهر شیرین گر تو می‌کندی بجان
تیشه آهن چه می‌کری تو مژگان‌داستی

ولها ایضاً

صبح شعاعی است از جمال محمد	شام سوادى زروى خال محمد
شمس که فیضش رسد بجملة عالم	پرتو عکس است از جمال محمد
ماه نو از ، هجر آفتاب جمالش	کاسته چون ابروی هلال محمد
چرخ برین بنده ایست حلقه بگوشش	عرش یکی پایه از جلال محمد
رونق طوبی بی‌باغ خلد شکسته	قامت با حسن و اعتدال محمد
در عرق انفعال گلشن فردوس	از گل رخسار بی‌مثال محمد
چشمه حیوان حیات بخش نباشد	تا نکشد جرعه از زلال محمد
عشق خریدار حسن و خلق نکویش	عقل بود کامل از کمال محمد
نیست میسر تورا خفی چو وصالش	دست تو و دامن خیال محمد

همین ارادت را نیز پسرش مرحوم شوکت‌الملک نسبت بساحت مقدس ائمه اطهار علیهم‌السلام داشت بطوریکه با شیراندرون شد و با جان بدر شود شاهد این معنی آنکه عزیزترین اموال او در نزدش دو قطعه الماس نفیس بود که یکی عبارت بود از يك تخمه الماس دارای دو قطعه که بیکدیگر وصل شده دیگری نگین بسیار بزرگ قبه‌واری و دیگر معموره شوکت‌آباد که حادثی و احیا کرده خودش بود و باین سه

قلم خیلی علاقه داشت و وصیت کرد تخمه الماس را باستانه مبار که امیرالمؤمنین و نگین را باستانه مبار که حضرت سیدالشهدا علیهما السلام تقدیم نمایند و شوکت آباد را وقف کرده و تقدیم نموده بحضرت صاحب الامر و آنها را جز بحضرات ائمه بر هیچکس روا نداشت .

ازو قصیده بمطلع :

قدحی زباده اگر رسد بلبیم زدست تو مه لقا

زنم از شراب تو دمبدم همه دم چو خضردم از بقا

و غزلیاتی بمطالع :

ای دل بکوی راهروان خاک راه باش

انگه طریق بندگی آموز و شاه باش

ایضاً

ای درگه تو قبله حاجات مرسلین

جباروب استان تو مژگان حور عین

در بهارستان نقل شده است^۱.

۱۳- خیر النساء خراسانی : بنوشته شمس سامی خیر النساء خاتون دختر قاضی سمرقند

از شاعره های معروفی بوده که در خراسان زندگی میکرده است^۲.

۱۴- روزبه : از شاعره های دوران سلطان سلیم است و بسال ۹۲۸ در حال حیات بوده .

از جمله اشعار اوست :

هر زمان دارم هلاکی با حیات آمیخته

زان تغافلها که کردی التفات آمیخته

۱- رك: حاج شیخ محمد حسین آیتی، بهارستان در تاریخ و تراجم رجال قایمات و

قهستان ص ۳۱۴-۳۱۱ .

۲- شمس سامی، قاموس الاعلام جلد سوم ص ۲۰۷۴ .

ایضاً

تغافل از بتان بی‌وفا مطلوب می‌باشد

وزین سنگین دلان بی‌التفاتنی خوب می‌باشد^۱

۱۵- سلطانی بسطامی : دختر میرزا فتح‌الله ذوقی که ظهیرالدوله محمد ناصر خان

قاجار پسر خود تزویج کرد وی از شعرای قرن سیزدهم هجری قمری است.^۲

۱۶- سمرقندی : از زنان شیرین‌سخن سمرقند می‌باشد مطلع زیر از اوست :

شدیم خاک‌دردت گریب‌درد ما نرسی چنان رویم که دیگر بگردمان نرسی^۳

۱۷- سیمین : دوشیزه سیمین‌دخت صحت در سال ۱۳۰۸ شمسی در تهران دیده

بجهان گشود شش‌ساله بود که مادر خود را از دست داد و از آن‌پس تحت سرپرستی و

تربیت عمه‌اش قرار گرفت و تحصیلات ابتدائی و متوسطه خود را پایان رسانید و

بدریافت گواهی‌نامه علمی نائل آمد. سیمین‌دخت از ۱۱ سالگی به سرودن شعر پرداخت

و هنگامیکه سال چهارم دبیرستان را می‌گذرانید بر اثر تشویق نظام وفا رسماً بشعر و

شاعری مشغول گردید و از مطالعه دواوین شعرای باستان بخصوص از اشعار سعدی و

منوچهری مایه گرفت و قریحه و ذوقش زنده و بیدار گردید و فنون شعر فارسی را از

نظام وفا آموخت و آثارش گاهی در برخی از روزنامه‌ها بجای رسید اینک نمونه‌ای از

اشعار وی نقل می‌گردد :

(ممنوعت بجان)

رفتی و دیده بسویت نگرانست هنوز

سیل اشک از غم هجر تو روانست هنوز

۱- ابن‌المبارک محمد قزوینی معروف به حکیم، ترجمه مجالس‌النفائس ص ۴۰۰ .

۲- احمد بن ابی‌الحسن شیرازی، «حدیقه‌الشعراء» نسخه خطی کتابخانه خصوصی آقای

جعفر سلطان‌القرائی ص ۲۳۴ .

۳- امیرالملك سید محمد صدیق حسن‌خان بهادر، شمع انجمن ص ۲۰۹ .

گرچه اہم زسرازا شك چو باران بگذشت
 شعلہ‌ها زاتش عشق تو بجانست هنوز
 عشقم از پرده شد و راز عیان گشت ولی
 دلشکن یار من از دیده نهانست هنوز
 گرچه رو کرد بمن پیری، عمرم بگذشت
 دلم از معجزه عشق جوانست هنوز
 گرچه عمری زفراقت بغم و رنج گذشت
 باز آ، باز که عشق تو همانست هنوز
 دل و دین تاب و توان از کف سیمین ہمدرفت

آنچه مانده است و راز اینہمہ جانست هنوز^۱

۱۸- صنعت لاری : شاعرہ لاری دختر کدخدای قریہ فداغ سال ہزار و
 دوست و شصت و چہار وفات یافت و چون در صنایع ظریفہمہارتی تمام داشتہ تخلص
 خود را صنعت انتخاب نمودہ است غزل زیر بعنوان نمونہ از اشعار وی نقل میگردد :

ہر کس کہ دید جلوہ و طور و ادای تو
 گر خود ملک بود کہ شود مبتلای تو
 گفتی سر تو در سر این کار میرود
 ای خاک بررسی کہ نگردد فدای تو
 جز سجده بتان نکند تا بروز حشر
 ز نثار زلف ہر کہہ بدید از قفای تو
 بر لوح تربتم ننویسند غیر از این
 رفت و نرفت از سرش آخر ہوای تو

۱- برای اطلاع بیشتر از اشعارش رك: سيد محمد باقر برقي، سخنوران نامی معاصر

دارو برای چشم تو صنعت حکیم گفت

خاک منازلی که بود نقش پای تو^۱

۱۹- عشرت شیرازی: بی بی عشرت معاصر بسمل شیرازی است که در قرن سیزدهم

وفات یافته است.^۲

۲۰- عشرت: بی بی عشرت از اهالی حرم فتحعلی شاه قاجار که در قرن سیزدهم

وفات یافته است.^۳

۲۱- عصمت ترخانی: زنی است از قبیله ترخانیه، بنوشته قانع تنوی: در زمان

خویش غلغله داشته، کسی را در شعر و قر و وقع نمیداد، چنانچه در هجو «داهی»

شاعر گفته:

ببحر شعر نبود همچو (داهی) کسی در عهد ما کشتی تباهی

از اوست:

نیست در عالم خبر از درد عشق گوئیا نبود بدنیا مرد عشق

چون فوت کرده کسی از معاصرانش این عبارت را ماده تاریخ گفته (هی عصمت

شد ز عالم) ۱۰۶۷.^۴

۲۲- عصمت بیگم: از زنهای صاحب طبع است وی دختر مرحوم شاهزاده

سیف الملوك میرزا بوده این رباعی از اوست:

چون ابر بهار دمبدم گریانم مانند فلک همیشه سرگردانم

باهر که وفا کنم جفا می بینم بر بخت خود و طالع خود حیرانم^۵

۱- فسائی، فارسنامه ناصری جلد دوم ص ۲۸۷.

۲- محمد صالح شاملوی خراسانی، «محک الشعرا» نسخه خطی کتابخانه ملک ص

۱۶۶-۱۶۷.

۳- محک الشعرا ص ۱۷۶.

۴- قانع تنوی، «مقالات الشعراء» ص ۴۴۱-۴۴۰.

۵- خیرات حسان جلد ۲ ص ۱۸۴-روز روشنی ص ۵۸.

۲۳- عصمت نورمحلای : بسم الله بیگم دختر بزرگ ترك علی شاه تركی است که در قرن چهاردهم وفات کرده^۱.

۲۴- عصمت مصری : عایشه عصمت خانم دختر اسماعیل تیمورپاشا مصری است که بسال ۱۲۸۹ وفات یافته^۲.

۲۵- عفت نورمحلای : خیر النساء بیگم دختر کوچک ترك علی شاه تركی است که در قرن چهاردهم وفات یافته^۳.

۲۶- فاطمه تفریشی : صبیئه آقا محمدصادق، در فن شعر کمال مهارت داشته است در مرثیه برادرش (هجری) گفته^۴:

ای جان برادر چه تمنات کنم از که و کجا سراغ ماوات کنم
از فرقت تو برهمی ریزم خاک شاید که بزیر خاک پیدات کنم^۵.

۲۷- نقای ابرقوئی : لقاء الشعرا دختر میرزا علی خان مجد الشعرا متخلص به «لایق» در قرن سیزدهم وفات یافته است^۶.

۲۸- ماه : بنوشته قانع تنوی حاجی ماه خادمه میرزا محمد معموری بوده و این رباعی وی بر حاشیه دیوان شهرتی بنظر رسیده است :

با صدغم دل درین سفر میگردم با سوز دل و خون جگر میگردم

۱- سخنوران چشم دیده تألیف ترك علی شاه تركی قلندر نورمحلای ص ۸۲.

۲- اسماء المؤلفین و آثار المصنفین تألیف اسماعیل پاشا البندادی جلد اول ص ۴۳۶.

۳- سخنوران چشم دیده ص ۸۳-۸۲.

۴- میرزا ابوالقاسم هجری بسال ۱۱۸۵ هجری در خطه رشت بسرای جاودانی رحلت کرده است.

۵- ریاض الجنه تألیف زنونزی تبریزی روضه پنجم قسم دوم ص ۸۵۵ (نسخه خطی کتابخانه شادروان حاج محمد نخجوانی).

۶- حدیقه الشعرا نسخه خطی کتابخانه خصوصی آقای جعفر سلطان القرائی ص ۲۳۵ (بشماره ۱۷۶).

هر لحظه چو گردباد از گردش دهر هر روز بصرای دگر میگردد^۱

۲۹- مشتری شیرازی: در ریاحین الشریعه چنین مسطور است: «تاریخ عضدی این زنرا نیز از زوجات فتحعلی شاه نوشته و گفته شیرازیه بوده و از شاه فرزندان بسیار آورده و او را طبع سرشاری بوده شبی فتحعلیشاه باعیال دیگرش پسندیده خانم در قصر فوقانی و مشتری خانم در طبقه پائین بوده این شعر را با آواز بلند انشاد کرد.

بالای بام دوست چه نتوان نهاد پای

هم چاره آنکه سر بنهم زیر پای دوست

و هنگامیکه خاقان مغفور عزم سفر اصفهان نموده در مرتبه اخیره در حالیکه چکمه و شلوار میپوشید مشتری خانم این شعر را بالبداهه انشا کرد.

تو سفر کردی و خوبان همه گیسو کنندند

از فراق تو عجب سلسله‌ها برهم خورد^۲

۳۰- محترم مشهدی: در تذکره حسینی چنین مسطور است:

«محترم دختر ملاعلی مشهدی و زوجه میر مرتضی اریمانی است این مطلع از آن

نادره گوشت:

صراحی گر غمی داری ز بخت سرنگون خود

قدح را همدم خود ساز خالی کن درون خود^۳

۳۱- مهریز کشمیری: از زنان سخنور کشمیر است^۴.

۳۲- نهانی قائینی: منیجه خانم از سخنوران باصفا و خوش ادا بوده در شمع

۱- قانع تتوی، مقالات الشعرا ص ۶۹۶.

۲- آقای شیخ ذبیح، ریاحین الشریعه جلد ۵ ص ۷۵.

۳- میر حسین دوست سنهلی، تذکره حسینی ص ۳۲۳.

۴- تذکره محمد شاهی تألیف بهمن میرزا قاجار پسر عباس میرزا، رشته اول ص

۳۶۸ نسخه خطی کتابخانه مجلس شماره ۹۰۳.

انجمن ابیات زیرین از او نقل شده است .

خواهم که بآن سینه نهم سینه خود را

تا دل بتو گوید غم دیرینه خود را

ایضاً

همچو من بر رخ خوبان نظر پاک انداز

هر کجا دیده آلوده بود خاک انداز^۱

۳۳- نیره : بانو ماهرخ شارق متخلص به نیره فرزند مهدی شارق و زوجه

مشفق بسال ۱۳۲۴ قمری در قصبه بروجن متولد گردیده است وی شاعر و ایست توانا

و این اشعار از اوست :

کسیکه روی زنان بی حجاب میخواهد

تمنعی زاوان شباب میخواهد

فقط ز راه هوی و هوس نه فکر دگر

مرا و صد چو ترا بی حجاب میخواهد... الخ^۲

پایان

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱- رك : محمد صدیق شمع انجمن ص ۴۵۵ ، میر حسین ، تذکره حسینی ص ۳۵۴ ،

سیدعلی ، صبح گلشن ص ۵۶۹ ، شمس سامی ، قاموس الاعلام جلد ششم ص ۴۶۲۴- صبا ، روز روشن ص ۷۲۵ .

۲- مهدوی ، تذکره شعرای معاصر اصفهان ص ۵۲۵ .